

راهکارها و سیاست‌های بازرگانی برنامه سوم توسعه در بودجه سال ۱۳۸۱ لحاظ شد

اشاره:

لایحه بودجه دولت که تصویری از درآمدها و هزینه‌ها و به عبارتی نقش مستقیم دولت در فعالیت‌های اقتصادی کشور طی یکسال را ارائه می‌دهد، برای سال ۱۳۸۱ با تغییرات قابل توجه به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است. این تغییرات که در راستای تحقق اهداف برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ایجاد شده، تصویر شفاف‌تری نسبت به بودجه‌های سنوات گذشته ارائه می‌کند و اهدافی نظیر تقویت رشد اقتصادی، تورم‌زدایی، فقرزدایی، ایجاد اشتغال و رشد صادرات غیرنفتی را دنبال می‌کند. هنوز برای بسیاری از اقشار جامعه نامفهوم و مبهم می‌باشد. به همین جهت رسانه‌های جمعی که وظیفه تلویز افکار عمومی را به عهده دارند، می‌بایست زمینه مساعد برای بحث در خصوص شفاف‌سازی لایحه بودجه ۱۳۸۱ را فراهم سازند.

آنچه بیش از همه در تغییرات لایحه بودجه ۱۳۸۱ مورد توجه عموم مردم می‌باشد، موضوع یارانه کالاهای اساسی است که از طریق یکسان‌سازی نرخ ارز ارقام ریالی هنگفتی را مطرح می‌سازد و به نوعی این توهم را دامن زده است که در بهای کالاهای اساسی تغییرات جدیدی ایجاد می‌شود، حال آنکه واقعیت چنین نیست. البته در موارد دیگر همانند نحوه محاسبه بودجه، ارقام کلان بودجه، تعاریف جدید از دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی و ... پرسش‌هایی در افکار عمومی مطرح است. به همین جهت خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» در گفت و گو با آقای محمدابراهیم امین، مدیر کل دفتر بازرگانی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، پرسش‌های مطرح در اذهان عمومی را طرح و پاسخ‌های آن را دریافت کرده است.

ماحصل این گفت و گو را با هم می‌خوانیم.

- ویژگی‌های مهم بودجه سال ۱۳۸۱ نسبت به سنوات گذشته چیست و سیاست‌های بازرگانی کشور در سال آینده چه تغییراتی خواهد داشت؟
- ویژگی‌های مهم و کلی لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ کشور عبارت است از اعمال نظام جدید بودجه‌ریزی و یکسان‌سازی نرخ ارز. این تغییرات مهم بر اعتبارات بخش بازرگانی نیز بازتاب داشت، به طوری که واردات کالاهای اساسی و یارانه‌ها در سال ۱۳۸۱ نسبت به سال ۱۳۸۰ به میزان قابل توجهی افزایش یافته است.
- در سال ۱۳۸۰ حدود ۱۰۰۰۰ میلیارد ریال یارانه مستقیم کالاهای اساسی و ۱/۵ میلیارد دلار برای واردات کالاهای اساسی به نرخ هر

دلار معادل ۱۷۵۰ ریال تخصیص یافته است. در سال ۱۳۸۱ یارانه ریالی کالاهای اساسی به ۱۳۰۰۰ میلیارد ریال افزایش یافته و از سوی دیگر مابه‌التفاوت نرخ ارز (از هر دلار معادل ۱۷۵۰ ریال به ۷۷۰۰ ریال) برای واردات کالاهای اساسی در یک ردیف جداگانه منظور شده است.

نکته مهم‌تری که در بحث بودجه سال ۱۳۸۱ باید به آن اشاره کرد، بحث اجرای سیاست‌ها و راهکارهای برنامه سوم توسعه در بخش بازرگانی است.

در این برنامه یکی از مهمترین سیاست‌ها، اتخاذ سیاست جهش صادرات غیرنفتی بود که در سال‌های گذشته به طور مشخص منابع اعتباری برای راهکارهای منظور شده در این سیاست کلان، در منابع بودجه عمومی منظور نشده بود.

در بودجه سال ۱۳۸۱ تغییر نرخ ارز برای صادرکنندگان لحاظ شده و برای صادرکنندگانی که از تثبیت نرخ ارز متضرر می‌شوند مابه‌التفاوت در نظر گرفته شده است.

این امر در سال‌های گذشته وجود نداشت. در ضمن برای تشویق صادرات نیز در سال‌های گذشته بودجه‌ای وجود نداشت. اما در سال ۱۳۸۱ میلی به میزان ۱۰۰۰ میلیارد ریال برای پرداخت یارانه و جایزه صادراتی منظور شده است.

گفتنی است برای تمام اقداماتی که در جهت جهش در صادرات متصور است مانند کمک و حمایت از

صندوق‌های غیردولتی صادرات غیرنفتی و نیز زمینه‌سازی برای استفاده از تجارت الکترونیکی در تجارت بین‌المللی اعتبارات خاصی در نظر گرفته شده است. به طور مثال برای اجرای کامل نظام جامع اطلاع‌رسانی بازرگانی کشور در بودجه سال ۱۳۸۱ رقمی بیش از ۱۳۰۰ میلیارد ریال منظور شده است.

این ارقام که در بودجه سال ۱۳۸۱ منظور شده است، در بودجه سال‌های قبل مشاهده نمی‌شود.

در بخش بازرگانی در سال ۱۳۸۱ به موضوع تنظیم واردات نیز توجه شده است. تنظیم بازار محصولات اساسی از سیاست‌ها و راهکارهای اصلی بخش بازرگانی است که به طرق مختلف به این سیاست توجه شده است.

در این رابطه خرید تضمینی محصولات کشاورزی برای جبران ضرر و زیان این گونه خریدها رقمی نزدیک به ۲۰۰ میلیارد ریال در بودجه سال ۱۳۸۱ لحاظ شده است، در صورتی که این رقم در سال ۱۳۸۰ حدود ۱۰ میلیارد ریال بوده است.

گفتنی است، اقدامات و راهکارهای سیاست‌های بازرگانی به طور کامل در برنامه سوم توسعه دیده شده است و اقدامات اجرایی این سیاست‌ها در بودجه سال ۱۳۸۱ لحاظ می‌شود و در سال ۱۳۸۱ تغییراتی در سیاست‌های بازرگانی کشور به طور کلی و اصولی نسبت به سال ۱۳۸۰ وجود ندارد.

برخی از این اقدامات و راهکارها، بحث مقررات‌سازی، تنظیم و تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و لوایح

قانونی است که در حال پیگیری و انجام است.

برای مثال موضوع تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه که یک بحث بودجه‌ای نیست، بلکه یک بحث سیاست‌گذاری و اقدامات اجرایی است که در حال پیگیری می‌باشد و این پیگیری تداوم دارد.

گفتنی است به راهکارها و سیاست‌هایی از برنامه سوم توسعه اشاره شده است که در سال‌های گذشته یعنی از شروع برنامه سوم برای آنها منابع اعتباری لحاظ نشده بود، اما در سال ۱۳۸۱ این فرصت فراهم شد و منابع اعتباری کافی برای آنها در نظر گرفته شده است. در بودجه سال ۱۳۸۱ برای اجرای سیاست‌ها و راهکارهای برنامه بترسازی شده است.

■ **بازرگانی داخلی با توجه به شفاف‌سازی یارانه‌ها، چه تحولاتی را در پیش رودارد؟**

یکی از مهمترین نکاتی که در بحث یارانه‌ها مطرح شد، هدفمند کردن آنها بود، در این راستا ماده ۴۶ قانون برنامه اصلاح شد و مجلس نیز تکلیف کرد اقدامات لازم جهت اجرای این امر فراهم شود.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در سال گذشته تلاش زیادی برای ایسین موضوع انجام داد و پیشنهادهایی نیز تهیه و آنها را در هیأت دولت مطرح کرد، اما از نظر کلی هدفمند کردن یارانه‌ها به تصویب و تأیید نرسید تا در سال ۸۱ در بودجه، یارانه‌ها به صورت هدفمند دیده شود.

مادامی که سیاست‌های روشن و مشخص در زمینه حمایت از تولیدات داخلی وجود نداشته باشد، طبیعی است که تعیین رقم تعرفه‌ها کار دقیقی نخواهد بود و خواست‌ها و نیات ما را در حفظ حقوق مصرف‌کنندگان و یا حمایت از مصرف‌کنندگان و در عین حال حمایت از تولیدکنندگان را برآورده نخواهد کرد. این روند تا به تعادل برسد، مستلزم طی زمان است.

به طور کلی جز بحث منطقی کردن تعرفه‌ها و اعلام تعرفه‌ها و تعرفه‌ای کردن واردات و صادرات، بحث خاصی در زمینه تجارت خارجی در سال ۱۳۸۱ وجود ندارد.

■ آیا در ارقام واردات و صادرات در بودجه سال ۸۱ نسبت به سال ۸۰ تغییری حاصل شده است؟

اگر اساس پیش‌بینی‌های برنامه سوم توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی برای سال ۱۳۸۱ می‌بایستی به رقم ۵ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار بالغ شود.

با توجه به اینکه اهداف کمی برنامه بار دیگر در هیأت دولت مورد بررسی قرار گرفت و دولت آن را به عنوان مصوبه ابلاغ کرد، در بودجه‌ریزی و بحث تدوین بودجه، این هدف در زمینه صادرات کالاهای غیرنفتی به عنوان هدف سال ۱۳۸۱ مطرح شد.

در زمینه واردات برآوردی که از این امر بر اساس سیاست‌های برنامه سوم توسعه وجود دارد، کل واردات کالا و خدمات در سال ۱۳۸۱ حدود

بزرگراه صادرات قرار داشت، مرتفع شد و اکنون هیچگونه منعی به لحاظ حقوقی و نیز صدور مجوز خاص برای صادرات کالاهای غیرنفتی، وجود ندارد.

در واقع صادرات در سال ۸۱ نیز آزاد است و بحث‌هایی که در مورد تنظیم بازار داخلی مانع صادرات بود، به کلی برداشته شد.

در مبحث واردات نیز یک هیأت مرکب از وزیر بازرگانی، رییس کل بانک مرکزی، رییس کل گمرک به طور مرتب در حال بازرینی و تجدید نظر روی تعرفه‌ها هستند و همواره با رایزنی و مشورت با دستگاه‌های متولی و اجرایی، موانع تعرفه‌ای را تعدیل می‌کنند و در کتابچه ضمیمه آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات واردات و صادرات به طور مرتب مشاهده می‌شود. بندهای مربوط به کسب مجوز از یک دستگاه کاهش پیدا می‌کند و در واقع همه موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه تبدیل می‌شود.

بر اساس نظر کارشناسی دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های متولی تولید در کشور، هنوز سیاست‌های منسجم، بررسی شده و قابل قبولی در مورد حمایت از تولید داخلی به لحاظ زمان و میزان، ندارند، در نتیجه هنگامی که تعرفه‌های معادل به جای موانع غیرتعرفه‌ای اعلام می‌شوند، در بسیاری مواقع با عکس‌العمل‌هایی از سوی مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان و واردکنندگان مواجه می‌شود و این تعرفه‌ها به طور مرتب در حال بررسی و تغییر قرار می‌گیرد.

علت اصلی این بود که هدفمند کردن یارانه‌ها مستلزم اصلاح سهمیه‌های واردات کالاهای اساسی و غیرکالایی کردن یارانه‌ها و پرداخت به اقشار نیازمند است که اجرای این امور مستلزم آن بود که در قیمت‌ها تغییراتی بوجود آید.

در سال ۱۳۸۱ در قیمت کالاهای اساسی تغییرات قابل توجهی بوجود نخواهد آمد، به همین دلیل سقف یارانه‌های ریالی افزایش قابل توجهی پیدا کرده است.

حسب نظر ریاست جمهوری بنا نیست که قیمت کالاهای اساسی تغییری پیدا کند و علی‌رغم اینکه هزینه‌های تدارک و تأمین کالاها پیوسته در حال افزایش است، اما قیمت‌ها برای مصرف‌کننده تغییری نخواهد داشت.

■ آیا سیاست‌های واردات و صادرات غیرنفتی تغییری خواهد داشت؟

تسهیلاتی که در صادرات و واردات کشور صورت می‌پذیرد، در واقع دنباله همان اقداماتی است که با تصویب قانون برنامه سوم توسعه، آغاز شد. در این رهگذر صادرات از هر گونه مجوز و عوارض معاف شد.

بر اساس قانون برنامه سوم به جز کالاهایی که یارانه دریافت می‌کنند مگر با نظر دستگاه ذیربط، کالاهایی که جنبه عتیقه دارند و کالاهایی که جزو ذخایر ژنتیک کشور هستند، قابل صدور نیستند.

در قانون برنامه سوم توسعه موانعی که به بهانه تنظیم بازار داخلی

۲۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار خواهد بود.

■ شفاف کردن یارانه‌ها در بودجه سال ۱۳۸۱ چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟

۱۱ شفاف کردن یارانه‌ها در سال ۱۳۸۱ از طریق تغییر قالب بودجه‌بندی صورت گرفته است. در سال‌های گذشته بودجه در دو بخش جاری و عمرانی تعریف می‌شد. اما در قالب بودجه‌های جاری، هزینه‌های سرمایه‌ای و در قالب اعتبارات عمرانی کشور، هزینه‌های جاری وجود داشت.

در شکل جدیدی که بودجه سال ۱۳۸۱ بر آن اساس تدوین شده است، این وضعیت که هزینه‌ها را غیرشفاف می‌کند، دیگر وجود ندارد.

در بودجه سال ۱۳۸۱ دو تقسیم‌بندی در بودجه وجود دارد که اول هزینه‌ها می‌باشند که خود به ۷ بخش تقسیم می‌شود و یکی از آنها یارانه‌ها است که بر اساس تعریف، تمامی پرداخت‌های انتقالی را در برمی‌گیرد. بنابراین سرجمع یارانه‌هایی که دولت پرداخت می‌کند را می‌توان از سرجمع این مبلغ در قالب بودجه به دست آورد. در صورتی که در تعاریفی که در بودجه‌بندی سال گذشته وجود داشت، به طور مشخص سرفصلی با عنوان یارانه‌ها وجود نداشت.

در بودجه سال ۱۳۸۱ هزینه‌های جاری در واقع «هزینه» هستند و هزینه‌های عمرانی نیز با عنوان تملک دارایی‌های سرمایه‌ای آمده است. تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیز در واقع آنچه را که ایجاد ارزش افزوده می‌کند و منجر به ایجاد دارایی‌های جدید می‌شود، در

نظر می‌گیرد و در نتیجه هیچگونه پرداختی به عنوان خدمات یا بابت کالاهایی که مصرفی هستند، در ردیف بودجه‌های عمرانی لحاظ نمی‌شود.

این طبقه‌بندی جدید که به لحاظ هزینه‌ها در بودجه سال ۸۱ لحاظ شده، به طور دقیق هزینه‌ها را شفاف کرده است و نشان می‌دهد چه میزان اعتبار صرف تملک دارایی‌های سرمایه‌ای می‌شود و چه میزان اعتبار برای هزینه جبران خدمات کارکنان صرف می‌شود و این موارد با یکدیگر اختلاط پیدا نمی‌کنند. در ضمن در سرفصل کلی بودجه دولت نیز چیزی به عنوان فروش نفت وجود ندارد، بلکه این موضوع به عنوان فروش دارایی‌های سرمایه‌ای آمده است و در واقع یک نوع بودجه مبتنی بر حسابداری شرکتی در بودجه‌نویسی لحاظ شده است.

■ یکسان‌سازی نرخ ارز و افزایش هزینه‌های دولت از بابت یارانه‌ها چه آثار اقتصادی در پی خواهد داشت؟

۱۱ یکسان‌سازی نرخ ارز بودجه را حجیم می‌کند. البته باید دقت شود در ارقامی که بودجه سال ۱۳۸۱ را نسبت به سال ۱۳۸۰ متورم کرده، چه مقدار مربوط به یکسان‌سازی نرخ ارز و چه قدر آن ناشی از افزایش سالانه بودجه است.

در سال‌های گذشته بخشی از آن میزان ارزی که مجلس اجازه می‌داد دولت برای کالاهای اساسی، حساس و ضروری خرج کند به بهای هر دلار معادل ۱۷۵۰ ریال محاسبه و جدا می‌شد و مابقی آن به نرخ واریزنامه‌ای از سوی بانک مرکزی در بازار به فروش می‌رسید

و درآمد حاصل از آن را به حساب دولت واریز می‌کرد.

به دیگر سخن بخشی از ۱۴ میلیارد دلار درآمد نفتی کشور (حدود ۵/۳ میلیارد دلار آن) به نرخ هر دلار معادل ۱۷۵۰ ریال تقویم و صرف واردات کالاهای اساسی، حساس و ضروری می‌شد و مابقی آن با نرخ واریزنامه‌ای.

اما در سال آینده تمام درآمد نفت با نرخ واریزنامه‌ای یعنی هر دلار معادل ۷۷۰۰ ریال تقویم می‌شود. بنابراین بودجه کشور در ستون درآمدها متورم می‌شود.

اثر دیگر یکسان‌سازی نرخ ارز، آن است که دارایی‌های خارجی بانک مرکزی که یکی از منابع پایه پولی است، افزایش می‌یابد، زیرا نظام بانکی منابع پایه پولی و دارایی‌های خارجی خود را در ترازنامه‌شان قبلاً با نرخ ۱۷۵۰ ریال تقویم می‌کردند، اما در بودجه سال ۱۳۸۱ که نرخ ۱۷۵۰ ریال وجود ندارد، باید رقم دارایی خارجی را با هر دلار معادل ۷۷۰۰ ریال تقویم کنند، در نتیجه دارایی‌های خارجی در ستون دارایی‌های بانک‌ها یکباره به شدت متورم می‌شود و افزایش پیدا می‌کند. از آنجا که هر گونه افزایش در منابع پایه پولی و از جمله دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، به سرعت و با ضریب تکاثر، به حجم پول و نقدینگی تبدیل می‌شود لذا، این انتظار می‌رفت که رشد نقدینگی تورم را افزایش دهد.

از این رو در بودجه سال ۱۳۸۱ این تصمیم اتخاذ شد که افزایش‌هایی که در دارایی‌های بانک مرکزی و نظام بانکی ایجاد می‌شود را به حساب بدهی دولت

به بانک مرکزی و نظام بانکی منظور شود.

در واقع هر چه بدهی دولت به نظام بانکی بیشتر شود، این رقم جزو منابع پایه پولی است و با ضریب تکاثری، حجم پول و نقدینگی را در کشور افزایش می‌دهد، به عبارت دیگر، از یک سو ستون دارایی‌های بانک‌ها (شامل دارایی‌های خارجی آنها) در حال متورم شدن است و از طرف دیگر بدهی دولت در حال متورم شدن می‌باشد و لذا نقدینگی افزایش می‌یابد. حال اگر در قبال تورم دارایی‌های خارجی، بدهی دولت را تعدیل کنیم، برآیند این دو اثر، آثار تورمی حاصل از یکسان‌سازی نرخ ارز در اقتصاد مسلی را خنثی و جبران می‌کند.

در خصوص افزایش رقم یارانه‌ها نیز باید اشاره کرد که در واقع اثرات افزایش نرخ ارز بر کالاهای اساسی را در بودجه شفاف و باز کرده‌ایم، اما در سال آینده اینگونه کالاها به همان مقدار و قیمت سال‌های گذشته، توزیع خواهد شد و لذا اثر تورمی بیار نخواهد آورد.

دولت به منظور حمایت از ثبات نسبی قیمت‌ها و حفظ میزان تورم در سطح مورد پیش‌بینی در لایحه بودجه سال ۸۱ چه اقداماتی را به عمل خواهد آورد؟

مهمترین سیاستی که دولت در بودجه سال ۸۱ اتخاذ کرده است، یکسان‌سازی نرخ ارز می‌باشد. با اجرای این سیاست تمامی کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند که یکسان‌سازی نرخ ارز به دلیل متورم کردن هزینه‌ها و بودجه دولت، اثرات تورمی بیار می‌آورد که انتظار به

جایی است، زیرا وقتی هزینه‌های دولت افزایش پیدا کند، بالطبع نقدینگی افزایش می‌یابد، گردش پول سریع‌تر می‌شود و این امور تورم به وجود می‌آورد.

اینستکه انتظار داشته باشیم یکسان‌سازی نرخ ارز که آرزوی اقتصاددانان بوده است، اثرات تورمی نداشته باشد، یک انتظار غیرواقع‌بینانه‌ای است، اما دولت سعی کرده است در بودجه سال ۸۱ پروژه‌های نیمه‌تمام خود که مقادیر زیادی سرمایه در آنها مسدود شده است، را به اتمام برساند و این یکی از ویژگی‌های بودجه سال ۸۱ است. دولت برای پروژه‌های نیمه‌تمام به ویژه پروژه‌های اشتغال‌زای، اعتبار کافی در نظر گرفته و تأمین کرده است.

این امر یکی از اقداماتی است که می‌تواند تورم را کاهش دهد زیرا به ثمر رسیدن پروژه‌ها و افزودن شدن به سرمایه‌های ملی و نیز سرمایه‌هایی که ایجاد ارزش افزوده و اشتغال می‌کند، می‌تواند بخشی از بار تورم را کاهش دهد.

از سوی دیگر همان طور که گفته شد، دارایی‌های خارجی بانک مرکزی که به حساب بدهی دولت گذاشته می‌شود، می‌تواند اثرات تورمی را خنثی کند، اما در عین حال به لحاظ کارشناسی باید گفت: سرانجام هنگامی که بودجه دولت

به میزان ۴۵ درصد افزایش می‌یابد، این امر آثار تورمی را به بار می‌آورد، اما اینستکه این میزان تورم تا چه حدی پیش‌بینی می‌شود دولت معتقد است که این تورم خیلی شدید نخواهد بود. دولت معتقد است با بودجه سال ۸۱ رشد قابل توجهی در میزان تورم نخواهیم داشت.

شفاف شدن یارانه‌های کالاهای اساسی در بودجه، در زندگی اقشار آسیب‌پذیر و کشاورزان چه تأثیری خواهد داشت؟

ا در این خصوص که چه گروه‌هایی از مردم از یارانه‌ها و شفاف شدن یارانه‌های نسبت به گذشته نفع بیشتری می‌برند، شاید نشود، اشاره مشخصی کرد، زیرا کالاهای اساسی به طور مساوی بین همه مردم توزیع می‌شود.

آنچه که کشاورزان به طور خاص از یارانه‌های قیسه شده در بودجه استفاده می‌کنند، عبارت است از کود، سم و بذر. یارانه این سه کالا در سال ۱۳۸۱ به میزان ۶۵۰ میلیارد ریال است.

در حال حاضر ممکن است به لحاظ حسابداری یارانه‌ها شفاف شده باشد، اما به لحاظ بهره‌مندی و برخورداری گروه‌های مختلف چنین اقدامی صورت نگرفته است و این امر مستلزم آن است که در نحوه پرداخت یارانه تجدید نظر شود و بحث هدفمند کردن یارانه‌ها دنبال شود.

این موضوع تکلیف مجلس به دولت است، اما در بودجه سال ۱۳۸۱ هدفمند کردن یارانه‌ها لحاظ نشده است چون توزیع یارانه‌ها به شکل سابق ادامه خواهد یافت.

با توجه به لایحه بودجه ۱۳۸۱، آیا اهداف اقتصادی (رشد اقتصادی ۶ درصد، ایجاد اشتغال و حفظ تورم در محدوده ۱۲ تا ۱۴ درصد) محقق خواهد شد؟

ا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و دولت در لایحه بودجه،

هدف‌هایی را مطابق با اهداف برنامه سوم لحاظ کرده‌اند.

در این هدف‌ها، رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و افزایش تولید ناخالص ملی لحاظ شده است. پیش‌بینی می‌شود در سال ۸۱ تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت حدود ۵ درصد رشد کند و تشکیل سرمایه ثابت نیز ۷/۴ درصد رشد خواهد داشت که بیش از پیش‌بینی برنامه است زیرا این رشد در برنامه ۷/۳ درصد منظور شده است. رشد تولید ناخالص نیز در برنامه ۶/۵ درصد پیش‌بینی شده بود. پیش‌بینی برنامه برای تورم ۱۵/۳ درصد بود، اما پیش‌بینی بودجه ۱۲ تا ۱۴ درصد است. میزان بیکاری نیز در حد ۱۳ تا ۱۴ درصد است. این ارقام شاخص‌های کلان اقتصادی است که برای بودجه سال ۱۳۸۱ پیش‌بینی شده است.

■ **تعابیر جدیدی که از فروش نفت در بودجه ۱۳۸۱ مطرح شده، چیست و چه آثار و پیامدهایی در بر خواهد داشت؟**

□ پیش از این در ستون درآمدهای بودجه‌های سنواتی، فروش نفت و فرآورده‌های نفتی لحاظ می‌شد و بخشی از دلار حاصل از آن با نرخ ۱۷۵۰ ریال و بخشی دیگر به صورت واریزنامه‌ای یعنی با نرخ ۷۹۰۰ ریال محاسبه می‌شد.

در قدیم کل درآمد نفت در رقم ۱۷۵۰ ریال ضرب می‌شد و به عنوان «فروش نفت» و یا «درآمد حاصل از

فروش نفت» در بودجه‌ها منظور می‌شد.

در این بودجه‌ها ردیف دیگری وجود داشت که در ستون درآمدهای دولت با عنوان «فروش ارز» نامیده شده بود. یعنی بخشی از ارزی که با ۱۷۵۰ ریال محاسبه شده بود، در اختیار بانک مرکزی قرار می‌گرفت و این بانک آن را با نرخ ۷۹۰۰ ریال می‌فروخت و مابه‌التفاوت آن در این ردیف به طور جداگانه در بودجه منظور می‌شد.

هم‌اینک تمامی درآمدهای نفت با عنوان واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای در نظر گرفته شده است و درآمد حاصل از آن با نرخ هر دلار ۷۷۰۰ ریال در بودجه ۸۱ منظور می‌شود.

در واقع به لحاظ مفاهیم حسابداری، یک نوع شفاف‌سازی صورت می‌گیرد، زیرا فروش نفت یک درآمد نیست و در ستون هزینه‌ها با عنوان تملک دارایی‌های سرمایه‌ای منظور می‌شود.

هر چه واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای داریم می‌توانیم آن را با تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بنسیم.

اگر تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به اندازه واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای باشد، بدین ترتیب تمامی سرمایه‌های ملی را که از دست داده‌ایم، جایگزین کرده‌ایم به دیگر سخن نفت به راه، جاده، کارخانه، سد، نیروگاه و بیمارستان و ... تبدیل شده است. اما اگر تملک دارایی‌های سرمایه‌ای کمتر از واگذاری

دارایی‌های سرمایه‌ای باشد، این بدان معنی است که بخشی از سرمایه‌های ملی به هزینه‌های جاری مانند حقوق، دستمزد، ورود کالاهای اساسی و ... تبدیل شده است.

شاید به تعبیری بتوان گفت با این روش در بودجه سال ۱۳۸۱ شفاف‌سازی شده است. در بودجه سال ۱۳۸۱ می‌توان از مقایسه «تملك دارایی‌های سرمایه‌ای» و «واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای» مشخص کرد که چه میزان از پول نفت صرف سرمایه‌گذاری‌های مولد شده است.

در سال‌های گذشته این بحث همیشه مطرح بود که درآمدهای نفتی از بودجه جدا شود و صرف سرمایه‌گذاری مولد شود، اما هیچگاه چنین برداشتی را از بودجه نمی‌توانستیم داشته باشیم و هیچگاه معلوم نبود چه میزان از منابع به سرمایه تبدیل می‌شود و چه میزان آن صرف هزینه‌های جاری می‌شود.

با روش جدیدی که بر اساس آن بودجه سال ۱۳۸۱ تنظیم شده است، «واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای» و «تملك دارایی‌های سرمایه‌ای» به خوبی و به طور شفاف نشان می‌دهد که چه میزان به سرمایه‌های ملی اضافه یا چه میزان از سرمایه‌های ملی کم شده است.

